



تحولات ذوق هنری در غرب
(گرایش به اصول هنرهای آغازین)
ارنست هانس گامبریج
ترجمه‌ی محمدتقی فرامرزی
انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵

به سختی می‌توان گفت آن چیزهایی که حواس ما را بیش از چیزهای دیگر در برابر لذت به حرکت درمی‌آورند و در وهله‌ی نخست باشتابی بیش از چیزهای دیگر به حواس ما چنگ می‌اندازند، همان چیزهایی است که با سرعت و نوعی بیزاری و وازدگی از آنها فاصله می‌گیریم. راستی، زیبایی و تنوع رنگ‌های این تصاویر جدید در مقایسه با تصاویر قدیمی، چقدر تابناک‌تر است. اگرچه این تصاویر ما را در نگاه نخست مجذوب می‌کنند، اما لذت حاصل از آن‌ها دوام نمی‌آورد، در حالی که زمختی و ناپختگی نقاشی‌های کهن هم‌چنان ما را در چنگال جذابیت خود نگه می‌دارد. در خوانندگی چقدر غلتش‌ها و لرزش‌های صدا از لحن‌های خشک و جدی نرم‌تر و ظریف‌ترند. اما نه فقط افراد برخوردار از ذوق سخت‌گیرانه، بلکه توده‌ی مردم نیز در مواردی که تأثیرات مذکور زیاد تکرار شوند زبان به اعتراض می‌کشایند. همین نکته درباره‌ی سایر حواس نیز صادق است. ما از مرهمی که رایحه‌ای بی‌نهایت شیرین و نافذ داشته باشد، در مقایسه با مرهم‌هایی که رایحه‌ی ملایم دارند، به مراتب کمتر لذت می‌بریم و حتی لامسه‌ی ما فقط از حد معینی از نرمی و سبکی خشنود می‌شود. چشایی، لذت‌گراترین حس در میان حواس آدمی است و بیش از هر طعمی به شیرینی جذب می‌شود، اما خیلی زود هر آنچه را که به حد افراط شیرین باشد، رد می‌کند و از آن متنفر می‌شود. بدین ترتیب، در همه‌ی موارد، نفرت پهلوی به پهلوی لذت حضور دارد.

سیسرون

سیسرون بر این اعتقاد بود که تمامی حواس ما مشمول گذر از ارضای احساس‌ها تا رسیدن به بیزاری می‌شوند. وی تمامی این هنرها را در اینجا می‌گنجاند، و اگرچه از نقاشی و سپس آواز نام می‌برد، اما توجه واقعی‌اش بر هنر خطابه معطوف بوده است، چرا که هدف وی در خارج شدن از موضوع، هشدار به خواننده در قبال هرگونه تلاش برای اغوا کردن مخاطبان به کمک نمایش شفاهی است. آنچه کتاب حاضر به آن می‌پردازد، این واقعیت است که تکامل هنرها، به صورت موازی صورت گرفته است؛ و به بیانی قرن‌های بسیاری گذشته تا هنرها توانسته‌اند به آن جذابیت آسان برای حواس ما برسند که سیسرون در مورد آنها هشدار می‌داد. جورجو وازاری معتقد بود که هنرها از زمان سقوط در قرن‌های تاریک تا دوره‌ی رنسانس پرشکوه ایتالیا، پیشرفت کرده بودند. صعودی آهسته از شیوه‌ی زمخت بیزانسی‌ها تا سبک صیقل خورده و ماهرانه روزگار وی. نویسنده با نگاه به آراء وازاری و سیسرون و فرض بر درستی آنها نتیجه‌گیری می‌کند که تکامل هنر درست در جهت مخالف تکامل ذوق هنری جریان یافته است. به گفته‌ی لاجوی و بوئز، یکی از سخت‌به‌نرم و دیگری از نرم‌به‌سخت رسید. کتاب پیش رو حاصل چهار دهه تلاش گامبریج است. کتاب روایتی سرشار از بحث و استدلال به همراه نقل قول‌های گسترده است که نقش آفرینندگان، منتقدان و هنرمندان را در شکل‌دهی به اندیشه و متحول کردن آن به روشنی نشان می‌دهد. گامبریج با بازنگری در آثار نویسندگان عصر کلاسیک، پیشرفت این اندیشه را از احیای آن در قرن هجدهم پی می‌گیرد و به اسناد کافی در تأیید تغییرات ظریف ذوق و قضاوت هنری اشاره می‌کند که اغلب بر نقش محوری رافائل در تاریخ هنر تکیه می‌دارد. وی در فصول پایانی به موضوع انقلابی بدوی گرای در قرن بیستم پرداخته و تحولات مهم ذوق هنری را تحلیل می‌کند.

کتاب در هفت فصل منتشر شده است:

اولیت‌های افلاطون؛ سلطه‌ی عنصر اعجاب‌انگیز، آرمان پیشارافائلی، در جست‌وجوی معنویت؛ آزادسازی ارزش‌های صوری؛ سده‌ی بیستم؛ آغازین، به چه معنی.